

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Arts & Music

هنر و موسیقی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرنکفورت – ۹ جولای ۲۰۱۰م

افول ستاره هنر!!!

خبر مرگ نا بهنگام هنرمند خوش آواز «رحیم مهریار» را هنگامی شنیدم که خود در بستر بیماری، بعد از عمل جراحی ستون فقرات، با درد طاقتفرسا، پنجه نرم می کردم. این خبر تلخ به درد من افزود و انگیزه سرودن شعری شد در رثای مرحومی، اما نظر به مشکل صحت فرصت نشر بموقع آن و اظهار همدردی به خانواده مرحومی، خانم پرستو «مشعل ترنم»، میسر نگردید.

چند شب پیش آهنگ دل انگیز «ای مسافر کجا می روی، کجا؟؟؟» را از ورای تلویزیون از حنجره گیرای او شنیدم و متوجه شدم که او خود متأسفانه به سفر برگشت ناپذیری رفته و دوستداران خود را سوگوار ساخته است. خواستم همان سروده را که یادبودی از هنر و شخصیت اوست به دست نشر بسپارم و این بار من ازو بپرسم که ای مسافر! کجا رفته ای، کجا؟؟؟

ز مهر یار چه پرسی که مهر یار نماند	دلت به مهر که سوزد که "مهریار" نماند
ز شهریار هنر چون سخن کنم هیئات؟	ز یار شهر تهی شد، به شهر یار نماند
دل از سرود روانبخش او قراری داشت	لب از سرود فرو بست و دلقرار نماند
شکست شاخ برومند و باوقار هنر	هزار حیف که آن شاخ باوقار نماند
ببین که هستی ما همچو باد می گذرد	کنار آب روان، سایه چنار نماند
زمانه تا بخود آئی چو باد در گذر است	به این دوروزه زمان، هیچ اعتبار نماند
مرا چه می طلبی در هوای بوس و کنار؟	توان بوسه و فکـر و غم کنار نماند
اگرچه می گذرد از جهان هزار هزار	چه ماتم است که این یک هم از هزار نماند
دریغ و درد که این مرغ خوشنوا چمن	چو صر صر سحری رفت و پایدار نماند
به هر ترانه دلکش، شکار دل می کرد	خود عاقبت به کف مرگ شد شکار نماند

«اسیر» درد و غم دوست را ز یاد ببر

که دوست رفت و بجز درد بی شمار نماند